

# طرح دفاع موشکی امریکا و تأثیرات آن

## بر امنیت بین‌الملل

مهدی امیری\*

تاریخ دریافت ۸۶/۱۱/۲۰ | تاریخ پذیرش ۸۷/۵/۳۰

تصمیم امریکا برای برپایی سامانه دفاع موشکی در اروپای شرقی مجادلات و مناظرات گسترده‌ای را در نظام بین‌الملل به وجود آورده است. مقامات امریکا از همان ابتدا تلاش گسترده‌ای را آغاز کردند تا متحدان اروپایی خود را به پذیرش این طرح متقاعد سازند. این در حالی است که مخالفت‌های جدی و عمده‌ای با طرح امریکا - به ویژه از سوی روسیه و چین، و حتی برخی از شرکای اروپایی واشینگتن - به چشم می‌خورد. در این مقاله، چنین فرض شده که اجرای برنامه دفاع موشکی تأثیرات وسیعی را بر معادلات امنیتی بین‌المللی بر جای خواهد گذاشت و به ویژه تهدید مستقیمی را علیه ثبات استراتژیک جهان مطرح می‌کند. از این رو، می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده نیز مجادلات بر سر این طرح ادامه یابد.

کلیدواژه‌ها: امریکا؛ اروپا؛ روسیه؛ دفاع موشکی؛ امنیت بین‌الملل؛ نظام بین‌الملل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* پژوهشگر دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: m\_amiri2000@yahoo.com

## مقدمه

موضوع استقرار سامانه دفاع موشکی امریکا از بحث برانگیزترین مباحث کلان نظام بین‌الملل به حساب می‌آید. تصمیم امریکا برای اجرا و پیگیری چنین طرحی به بروز مجادلات و مناظرات گسترده‌ای در جهان منجر شده است. بسیاری از مجامع رسمی و غیررسمی در نقاط مختلف دنیا - از جمله دواير سياستگذاري دولت‌ها يا محافل مطالعاتی و پژوهشی - بخشی از ظرفیت‌های خود را به شناخت ابعاد و زوایای متنوع مرتبط با این طرح اختصاص داده‌اند و آن را در دستور کار خود قرار داده‌اند. این توجه و حساسیت ناشی از تأثیرات فراگیر اجرای طرح بر ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل است.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران سیاسی، اجرای برنامه دفاع موشکی امریکا، به‌ویژه، بر معادلات امنیتی حاکم بر جهان تأثیر فزاینده و دگرگون‌سازی خواهد گذارد. این تأثیرات ممکن است زمینه‌ساز تغییرات فرایندی بنیادینی در نظام بین‌الملل و محرکی برای شکل‌گیری ترتیبات امنیتی تازه باشد. به همین دلیل هرگاه مقامات امریکایی در مورد اجرای طرح دفاع موشکی به اعلام نظر پرداخته‌اند، این مسئله واکنش و موضع‌گیری دولت‌های مختلف را به دنبال داشته است؛ از جمله، انتشار گزارش‌هایی در خصوص تصمیم امریکا برای استقرار سامانه دفاع موشکی در منطقه اروپای شرقی در دوران ریاست‌جمهوری جرج بوش با واکنش‌های متفاوتی مواجه بوده است. بسیاری از واکنش‌ها در قبال این طرح که بیشتر در قالب‌های انتقادی نمود پیدا کرده، واشینگتن را مجبور ساخته تا مساعی دیپلماتیک وسیعی را برای توجیه طرح خود و متقاعد ساختن دیگر بازیگران به موافقت (یا دست‌کم مخالفت نکردن) با برنامه‌های دفاع موشکی خود به انجام رساند. این در حالی است که ایالات متحده همچنان در حال رایزنی با متحدان خود برای جلب حمایت آنها از طرح استقرار این سامانه دفاعی در اروپای شرقی است.

امریکا اصرار می‌ورزد که تهدیدات موشکی برخی دولت‌ها یا گروه‌های خاص الزام قاطعی را برای تکمیل این برنامه ایجاد می‌کند. این استدلال را بسیاری از دولت‌ها و نیز نهادهای

پژوهشی و کارشناسی محل تردید و تعارض دانسته‌اند. از این رو، در حال حاضر مناظره جهانی جاری در خصوص طرح امریکا از مهم‌ترین مناظرات بین‌المللی به حساب می‌آید. با توجه به اهمیت و حساسیت زیاد این موضوع، در این مقاله تلاش خواهد شد تا - علاوه بر شناسایی و تشریح طرح دفاع موشکی امریکا و تبیین مواضع و واکنش‌های صورت گرفته در قبال آن - پیامدهای اجرای این طرح برای امنیت نظام بین‌الملل ارزیابی شود.

## ۱ تاریخچه طرح‌های دفاع موشکی

هرچند موضوع استقرار سامانه دفاع موشکی امریکا از جمله مباحث مهم و جنجال‌برانگیز در زمان حاضر است، تلاش‌های امریکا برای پیشبرد برنامه‌هایی در این مورد سابقه‌ای طولانی دارد. در واقع، اقدامات اولیه واشینگتن برای اجرای این طرح به زمان جنگ سرد بازمی‌گردد. از این رو، شناخت دقیق طرح امریکا برای استقرار سامانه دفاع موشکی نیازمند آن است که سیر تطور و تکامل این طرح بررسی شود. در این گفتار سابقه طرح‌های دفاع موشکی امریکا در دو دوره جنگ سرد و پساجنگ سرد تشریح می‌شود.

### ۱-۱ دوره جنگ سرد

#### ۱-۱-۱ بسترهای توجیهی

فضای امنیتی حاکم بر دوره پس از جنگ جهانی دوم تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به اقتضای معادلات و محاسبات خاص حاکم بر آن مستعد شکل‌گیری و تقویت طرح‌ها و ترتیبات امنیتی عمده‌ای بوده است. مثلاً، چنین فضایی بستر صف‌آرایی نهادی دو ابرقدرت آن دوره را در قالب اتحادیه‌های امنیتی ناتو و ورشو فراهم ساخت. پیشرفت‌های نظامی و تسلیحاتی امریکا و شوروی نیز در این دوره شتاب فراوانی گرفت. این ناشی از تمایل نامحدود دو طرف برای بهبود موقعیت خود در برابر دیگری و نیز ارتقای توان بازدارندگی مؤثر در مقابل طرف دیگر بود.

طرح‌های دفاع موشکی امریکا نیز در بستر چنین فضایی شکل گرفت و توسعه یافت.

اندیشه‌های اولیه برای تحقق چنین طرحی چند سال پس از پایان جنگ جهانی دوم مطرح شد اما اقدامات جدی‌تر در اوایل دهه ۱۹۸۰ به انجام رسید.

## ۲-۱-۱ طرح اولین اندیشه‌ها

با شکل‌گیری نظام دوقطبی جنگ سرد و پدید آمدن نخستین نشانه‌های استقرار نظام موازنه وحشت، اندیشه به راه انداختن طرح‌های دفاع موشکی مطرح شد. در واقع، تلاش‌ها برای مقابله با موشک‌های بالستیک با آغاز عصر موشک<sup>۱</sup> در پایان جنگ جهانی دوم جریان پیدا کرد (Hildreth, 2007, p. 2). طرح‌های دفاع موشکی اولین بار در دهه ۱۹۵۰ و در دوران ریاست جمهوری آیزنهاور به بحث گذاشته شد. در آن زمان، طرح دفاع ضد موشکی آمریکا به «نایک زئوس» شهرت پیدا کرد. علاقه برای ایجاد سپری دفاعی برای جلوگیری از تهدیدات موشکی شوروی در دهه ۱۹۶۰ افزایش یافت.

طرح‌های مختلفی آغاز گردید، اما تنها معدودی از آنها به مرحله اجرا درآمد. در اواسط دهه ۱۹۶۰، آمریکا سامانه موسوم به «سامانه نگهبانی»<sup>۲</sup> را توسعه داد. این سامانه موشک‌های رهگیر مستقر در زمین را که به کلاهک هسته‌ای مسلح بودند در اطراف شماری از مناطق غیرنظامی اصلی برای محافظت از آنها در برابر حمله موشکی شوروی به کار می‌گرفت.

در سال ۱۹۶۹، دولت نیکسون برنامه دفاع موشکی را با عنوان «برنامه حفاظتی» پیگیری کرد. این برنامه بر استقرار موشک‌های تهاجمی در خارج از شهرها تمرکز داشت به نحوی که این اطمینان ایجاد شود که این موشک‌ها بتوانند در برابر حمله نخستین دشمن دوام آورند و قادر به حمله تلافی‌جویانه بر ضد شوروی باشند. البته در کنگره بسیاری از نمایندگان، ضمن اشاره به هزینه‌ها، تردیدهای فنی، و مخاطرات تشدید مسابقه تسلیحاتی با این برنامه مخالفت کردند. سرانجام کنگره در سال ۱۹۶۹ این برنامه را متوقف کرد (Ibid., pp. 2-3). در مجموع، در آن دوره موانع فنی سرسختی برای اجرای طرح‌ها وجود داشت.

1. Missile Age  
2. Sentinel System

چالش‌های فرا روی تکمیل سامانه‌های دفاع موشکی بیشتر قاعده بودند تا استثنا. همین امر فرصت عملیاتی شدن طرح‌های دفاع ضد موشکی را محدود ساخت. این وضعیت تا اوایل دهه ۱۹۸۰ ادامه پیدا کرد.

### ۳-۱-۱ ابتکار دفاع استراتژیک

رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت امریکا در سال ۱۹۸۳، با طرح جدیدی با عنوان «جنگ ستارگان» رؤیای بلندپروازانه‌ای را در مورد ایجاد یک سامانه دفاع موشکی در سر می‌پروراند. مطابق با این طرح عظیم که هرگز به اجرا در نیامد، لازم بود ماهواره‌های متعدد از فضای خارج جو موشک‌های شلیک شده از طرف دشمن را شناسایی کنند. این طرح به دلایل فنی و هزینه سرسام‌آور هرگز تحقق نیافت.

مناظرات فعلی در مورد طرح‌های دفاع موشکی امریکا به نوعی از برنامه ابتکار دفاع استراتژیک<sup>۱</sup> ریگان ریشه می‌گیرد. وی در مارس ۱۹۸۳ این برنامه را - که بر مبنای آن تلاش گسترده و وسیعی برای اجرای طرحی تحقیقاتی و توسعه بلندمدت برای تأمین هدف نهایی امریکا در زمینه نابود کردن تهدید موشک‌های استراتژیک هسته‌ای صورت می‌گرفت - به راه انداخت. منتقدان این طرح سریعاً آن را با یک فیلم بسیار محبوب و عامه‌پسند مقایسه کردند. بسیاری از سامانه‌های پیشنهادی در این طرح از جمله انرژی هدایت شده (لیزر) و سلاح‌های مستقر در فضا، به علاوه دیگر اندیشه‌های بلندپروازانه شبیه همان سامانه‌هایی بود که در این فیلم نمایش داده شده بود. منتقدان معتقد بودند که چنین سامانه‌هایی فقط استفاده سینمایی دارند به کار زندگی واقعی نمی‌آیند (Pena, 2000, p. 9). ریگان و طرفداران این طرح یک سامانه دفاع جهانی<sup>۲</sup> را با استفاده از هزاران حسگر و رهگیرهای مستقر در زمین، دریا، هوا، و فضا مد نظر داشتند. این سپر دفاعی هم موشک‌های رهگیر غیرهسته‌ای و هم وسایل لیزری بی‌نظیری را که برای نابودی موشک‌های شلیک شده طراحی شده بودند به کار می‌گرفت.

1. Strategic Defense Initiative (SDI)  
2. Global Defensive System

امریکا با بهره‌گیری از این فناوری‌ها در تلاش برای حفظ خود در برابر حمله شوروی در صدد بازدارندگی دفاعی بود. اما دولت ریگان، با افزایش یافتن برآورد هزینه و مشکلات فنی طرح، انتظارات خود را از ابتکار دفاع استراتژیک کاهش می‌داد. دولت امریکا اعلام کرد که به دنبال استقرار حسگرها و رهگیرهای زمین پایه و فضاپایه است. این سامانه امکان محافظت کامل از حمله شوروی را فراهم نمی‌کرد، اما در عوض حمله دشمن را مختل می‌کرد و از کارایی حمله دشمن می‌کاست. این «مرحله اول» طرح ابتکار دفاع استراتژیک نام گرفت.

اگرچه کنگره امریکا از برنامه تحقیق و توسعه طرح موشکی بالستیک حمایت کرد، عموماً با برنامه‌های مربوط به اجرای چنین طرحی در آن زمان مخالفت کرد (Hildreth, ibid., p. 3).

بسیاری از کارشناسان بر این باورند، علی‌رغم عملی نشدن طرح ابتکار دفاع استراتژیک، اعلام این طرح در تضعیف روحیه و فرسایش توان مادی اتحاد جماهیر شوروی (که ابزار و امکانات علمی و مالی لازم برای چنین رقابتی را در اختیار نداشت) بسیار مؤثر بود.

## ۱-۲ دورهٔ پسا جنگ سرد

### ۱-۲-۱ بسترهای توجیهی

فروپاشی شوروی و تغییر فضای حاکم بر نظام بین‌الملل تأثیری کاهنده در تمایل واشینگتن برای برخورداری از طرح دفاع موشکی نگذاشت. مقامات امریکایی، که در دوران جنگ سرد استقرار چنین سامانه‌هایی را با استناد به تهدیدات موشکی اتحاد جماهیر شوروی توجیه می‌کردند، در وضعیت و فضای جدید به طرح توجیهات دیگری پرداختند. آنان از احتمال شلیک تصادفی و غیرمجاز موشک‌های بالستیک از مناطق مختلف شوروی سابق سخن گفتند. امریکایی‌ها همچنین با اشاره به جنگ اول خود با عراق در سال ۱۹۹۱ و یادآوری شلیک موشک‌های اسکاد آن کشور بر وجود تهدید رو به رشد موشک‌های بالستیک و ضرورت

رفع این تهدید تأکید کردند. آنان مدعی شدند احتمال دارد کشورهای چینی، روسیه، و کره شمالی فناوری‌های موشکی بالستیک را به ازای پول در اختیار کشورهای نظیر ایران، سوریه، و پاکستان قرار دهند. امریکایی‌ها سرانجام به این نکته اشاره کردند که برخی از دشمنان امریکا — نظیر کره شمالی — تا آنجا به توسعه موشک‌های دوربرد خود ادامه خواهند داد که این موشک‌ها به خاک امریکا برسد.

در واقع فروپاشی شوروی و بحث درباره ظهور تهدیدات موشکی بالستیک ماهیت مناظره را در مورد طرح دفاع موشکی تغییر داد. به نظر بسیاری افراد در امریکا، از آنجا که امریکا و روسیه در حال توسعه همکاری و بهبود روابط خود بودند، نگرانی‌ها در مورد ثبات هسته‌ای بین این دو کشور کاهش یافته بود. اما در مقابل، بسیاری بر نگرانی‌های ناشی از حمله احتمالی دشمنی تأکید می‌کردند که فقط موشک‌های معدودی در اختیار داشت و ممکن بود ترس از اقدام تلافی‌جویانه امریکا آن را باز ندارد (Hildreth, 2005, p. 4).

خلاً ایجاد شده در سیاست خارجی امریکا به واسطه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیاز به توجیهی جایگزین را برای حضور گسترده نیروهای امریکا در سراسر جهان به وجود آورد. یکی از این توجیهات «دکترین دولت یاغی»<sup>۱</sup> بود که اساساً کالین پاول، رئیس وقت ستاد مشترک امریکا، تنظیم کرده بود و دولت‌های بوش و کلینتون آن را به کار گرفته بودند. پروفیسور مایکل کلیر<sup>۲</sup> از کالج همپشر<sup>۳</sup> خاطر نشان می‌سازد که دکترین دولت یاغی صرفاً با هدف ایجاد معیاری موقتی برای توجیه هزینه‌های دفاعی همسنگ جنگ سرد در عصر پساجنگ سرد مطرح شد. او یادآور می‌شود که اگرچه محیط در حال تحول امنیت بین‌الملل چنین دکترینی را نامربوط جلوه داده، این دکترین به پارادیم معین سیاست امنیتی امریکا تبدیل شده است (Klare, 2000, p. 46).

این دکترین بر این فرض استوار است که منابع نظامی باید بیشتر بر ضد تعداد کمی از

---

1. Rough State Doctrine  
2. Michael Klare  
3. Hampshire

قدرت‌های متخاصم در جهان سوم - نظیر کره شمالی، عراق، و ایران - هدایت شوند تا بر ضد یک ابرقدرت در حال ظهور. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ثبات ساختار جهان دوقطبی جای خود را به جهانی از لحاظ سیاسی متزلزل و بالقوه خطرناک‌تر داده است که در آن کشورهای متخاصم ممکن است فناوری سلاح‌های تهاجمی را با سهولت نسبی به دست آورند. بر طبق این دکترین، از آنجا که بزرگ‌ترین مخاطرات در جهان پسا جنگ سرد را این دولت‌های متخاصم به وجود می‌آورند، ایالات متحده باید تلاش‌های خود را بر دفاع در برابر حملات احتمالی ای متمرکز کند که با استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و فناوری موشکی بالستیک صورت می‌گیرد (Eland, 2001, p. 3). ایالات متحده بر این اعتقاد است که بزرگ‌ترین تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی را دولت‌هایی یاغی و «گروه‌های تروریستی فراملی»<sup>۱</sup> به وجود می‌آورند که در انتخاب تسلیحات لگام‌گسیخته‌اند و با ابزارهای متعارف نمی‌توان آنان را باز داشت. مقامات امریکا با تشبیه به چنین توجیهاتی به پیشبرد طرح‌های کلان امنیتی و نظامی خود در دوره پسا جنگ سرد اقدام کردند. برنامه دفاع موشکی از جمله مهم‌ترین این طرح‌ها به حساب می‌آید.

## ۲-۲-۱ طرح محافظت جهانی در برابر حملات محدود<sup>۲</sup>

دولت بوش پدر از طریق ادغام و تحدید بیشتر اهداف ابتکار دفاع استراتژیک برای هزینه‌ها و مشکلات فنی «مرحله اول» طرح و محیط سیاسی متغیر بین‌المللی چاره‌ای اندیشید: مقامات ایالات متحده به جای محافظت از امریکا در برابر حمله‌ای در مقیاسی وسیع، باید در پی استقرار سامانه‌ای دفاعی باشند تا از آن به صورت سپری در برابر حملات محدود جهانی استفاده کنند. این نسخه منقطع‌تری از طرح اصلی ابتکار دفاع استراتژیک است. بر اساس این نسخه، فروپاشی شوروی احتمال حمله را در مقیاسی وسیع کاهش داده اما در عین حال احتمال حمله‌ای اتفاقی یا غیراختیاری را افزایش داده است. به علاوه، این نوع دفاع موشکی

1. transnational terrorist groups

2. Global Protection Against Limited Strikes (GPALS)



بالمستیک نوعی دفاع و محافظت از امریکا و متحدانش در برابر حمله دیگر کشورهایی است که تعداد نسبتاً اندکی از موشک‌های بالمستیک به دست آورده‌اند.

دولت بوش نوعی از سیستم محافظت جهانی در برابر حملات محدود را در نظر گرفت که شامل بیش از یک‌هزار رهگیر زمین‌پایه و شاید یک‌هزار رهگیر فضاپایه همراه با حسگری‌های فضاپایه بود (Hildreth, 2007, p. 4).

### ۳-۲-۱ طرح دفاع ملی موشکی

بیل کلینتون، رئیس‌جمهور سابق امریکا، نیز با طرح «دفاع ملی موشکی»<sup>۱</sup> سعی کرد رؤیای اسلاف خود را تحقق بخشد. بر اساس این طرح، زنجیره‌ای از صدها موشک رهگیر در زمین مستقر و به کمک شبکه هشداردهنده‌ای متشکل از رادارها و ماهواره‌ها مانع نفوذ موشک‌های بالمستیک دشمن می‌شدند. این طرح - به‌رغم آنکه برخی کارشناسان نظامی امریکا آن را عملی و واقع‌گرایانه توصیف کرده بودند - در آزمایش‌های اولیه با شکست مواجه شد. اولین آزمایش در اواخر سال ۱۹۹۹، دومین آزمایش در اواسط ژانویه ۲۰۰۰، و سومین آزمایش نیز در هفتم ژوئیه ۲۰۰۰ انجام شد. پس از آن، این طرح تا زمان روی کار آمدن جرج بوش پسر به حالت تعلیق درآمد.

در این طرح از تمامی امکانات فنی مستقر در زمین، دریا، و فضا برای رهگیری موشک‌های بالمستیک دشمن هنگام ورودشان به جو زمین استفاده می‌شد. همچنین در طرح پیش‌بینی شده بود که موشک‌های دشمن را هنگامی که هنوز در مراحل اولیه پرتاب‌اند رهگیری کنند و هدف قرار دهند. هدف نهایی اجرای این طرح آن بود که هر موشک بالمستیک دشمن قبل از رسیدن به فضای امریکا رهگیری و نابود شود. به گفته مقامات وقت وزارت دفاع امریکا در این طرح مشخصاً پیش‌بینی شده بود که یکصد موشک رهگیر در آلاسکا مستقر شود تا با ورود موشک‌های بالمستیک دشمن به فضای امریکا رهگیری و در

خارج از جو زمین نابود شوند (امیری، ۱۳۸۰).

بر اساس این طرح (علاوه بر استفاده از ماهواره‌ها، موشک‌های رهگیر مستقر در آلاسکا، گرینلند، و انگلستان) از رادارهای موسوم به «رادارهای بانند ایکس»<sup>۱</sup> و یکصد رادار رهگیر مستقر در ایالت «داکوتای شمالی» نیز استفاده می‌شد. بر اساس طرح دفاع ملی موشکی، موشک شلیک‌شده هر کشور ابتدا توسط یکی از مجموعه ماهواره‌های اطراف زمین شناسایی و به مرکز اطلاعات هشدار داده می‌شد. پس از آن، مسیر موشک بلافاصله توسط شبکه‌ای از رادارهای هشداردهنده تعیین می‌شد. تمامی اطلاعات دریافتی از ماهواره‌ها و شبکه رادارها در مورد این موشک و مسیر حرکت آن به کامپیوتری مستقر در منطقه «کلرادو» مخابره می‌شد. این کامپیوتر، که وظیفه طرح‌ریزی مقابله با موشک را برعهده دارد، اطلاعات دریافتی را به شبکه‌ای از رادارهای بانند ایکس مخابره می‌کرد. وظیفه این رادار این بود که تا زمان حقیقی و مسیر واقعی موشک را به کامپیوتر دومی — که وظیفه شلیک موشک ضد موشک را برعهده داشت — منتقل کند. این کامپیوتر به موشک ماورای جو مجهز بود که پس از پرتاب به سرعتی معادل ۲۴ هزار کیلومتر در ساعت دست می‌یافت. این موشک علاوه بر بهره‌مندی از اطلاعاتی که از کامپیوترها و رادارها دریافت می‌کرد خود نیز به یک رهگیر، تجهیزات مادون قرمز، و یک تلسکوپ نوری مجهز بود. به این ترتیب، بر اساس تئوری‌های موجود این موشک باید موشک دشمن را به راحتی ردیابی کند و هدف قرار دهد (همانجا).

## ۲ دولت بوش و طرح دفاع موشکی

با پیروزی جرج بوش در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و روی کار آمدن مجدد جمهوریخواهان در این کشور فضای مناسب‌تری برای پیگیری طرح دفاع موشکی پدید آمد، زیرا جمهوریخواهان در گذشته نیز مساعی بیشتری برای اجرای این طرح به عمل

1. X-band radar

می‌آوردند. اساساً از آنجا که رویکرد امنیتی حزب جمهوریخواه از حزب دموکرات قوی‌تر است، معمولاً در دوره حاکمیت آنان طرح‌های دفاع موشکی نیز اهمیت بیشتری می‌یابد. نحوه عملکرد دولت امریکا در دوره‌های اول و دوم ریاست جمهوری جرج بوش نیز تأیید می‌کند که این دولت بر اجرای طرح سپر موشکی اصرار ویژه‌ای ورزیده است. بر همین اساس، برخی کارشناسان دوران حاکمیت این دولت را نقطه عطفی در پیشبرد طرح‌های دفاع موشکی به حساب می‌آورند، زیرا دولت بوش طی این دوره اقدامات مهمی برای تسهیل اجرای طرح دفاع موشکی به انجام رساند. از جمله می‌توان به تصمیم دولت بوش برای کناره‌گیری از معاهده موشکی ضد بالستیک<sup>۱</sup> اشاره کرد که از جمله مهم‌ترین موانع فرا روی امریکا برای اجرای این طرح بود. از این رو، گروهی از کارشناسان معتقدند فرایند تحقق طرح دفاع موشکی امریکا در دوره ریاست جمهوری بوش پسر تقویت شده است. به همین دلیل، بررسی دقیق سیر تحولات طرح دفاع موشکی تا حد زیادی نیازمند بازشناسی اتفاقات حادث در روند اجرای این طرح در دوره بوش است.

#### ۲-۱-۲ محرکه‌های تقویت طرح دفاع موشکی در دوره بوش

به طور کلی، می‌توان عوامل و مؤلفه‌های زیر را در تقویت اندیشه اجرای طرح سپر موشکی در دوره ریاست جمهوری جرج بوش مؤثر دانست.

##### ۲-۱-۱ گزارش کمیسیون رامسفلد

انتشار گزارش رامسفلد در خصوص توانایی‌های موشکی برخی کشورها از عوامل مؤثر افزایش توجه دولت بوش به موضوع استقرار طرح دفاع ضد موشکی بود. هرچند این گزارش پیش از روی کار آمدن دولت بوش و در اواخر دوران ریاست جمهوری کلینتون منتشر شد، تأثیر شگرفی در افزایش حمایت دولت بوش از طرح دفاع موشکی داشت. انتشار

گزارش کمیسیون رامسفلد که اعلام کرده بود تهدید موشکی علیه امریکا بزرگ‌تر از آن است که پیش از آن برآورد می‌شد، نگرانی‌ها را در مورد تهدیدات موشکی افزایش داد (Eland, ibid., p. 2). کمیسیون رامسفلد به ریاست دونالد رامسفلد وزیر دفاع سابق امریکا و زیر نظر کنگره این کشور که برای بررسی تهدیدات موشکی متوجه امریکا تشکیل شده بود در گزارش خود چنین نتیجه گرفت که تعدادی از کشورهای که آشکارا یا ناآشکارا با امریکا دشمن‌اند در تلاش‌هایی هماهنگ می‌کوشند موشک‌های بالستیک برخوردار از قابلیت بارگیری مواد بیولوژیکی و هسته‌ای را به دست آورند که تهدیدی رو به رشد برای ایالات متحده، نیروهای نظامی آن در خارج، و دوستان و متحدان این کشور است. بر طبق گزارش کمیسیون رامسفلد، این تهدیدات جدیدتر و در حال توسعه در کره شمالی، ایران، و عراق علاوه بر تهدیدات زرادخانه‌های موشکی بالستیک موجود در روسیه و چین است (Pena & Conry, 1999, p. 6). این گزارش بعدها مستمسک مناسبی برای مقامات دولت بوش شد تا با استناد به آن ضرورت تسریع در اجرای طرح دفاع موشکی را یادآوری کنند.

## ۲-۱-۲ تأثیر قاطع نومحافظه‌کاران

قدرت‌یابی نومحافظه‌کاران<sup>۱</sup> — افراطی‌ترین گرایش نزدیک به حزب جمهوریخواه — تأثیر قاطعی در پیشرفت برنامه‌های امریکا برای استقرار سامانه دفاع موشکی داشته است. افرادی تندرو نظیر پل ولفوویتز، داگلاس فیث، دونالد رامسفلد، و جان بولتون که رهبران جریان نومحافظه‌کاری در امریکا به حساب می‌آیند با پیروزی جرج بوش در انتخابات ریاست جمهوری امریکا فرصت ارائه طرح‌ها و اجرای پاره‌ای از منویات خود را در مقولات سیاست خارجی و سیاست امنیتی به دست آوردند. اساساً نوعی افراط‌گرایی فزاینده در رویکرد نومحافظه‌کاران در حوزه‌های کلان سیاسی اعم از داخلی و به‌ویژه خارجی به چشم می‌خورد. روشنفکران نومحافظه‌کار پیش از انتخابات ریاست جمهوری

---

1. Neo-Conservatives

سال ۲۰۰۰ امریکا (یعنی در سال‌هایی که در قدرت نبودند) دستور کاری را در حوزه سیاست خارجی پیشنهاد کرده بودند که شامل مفاهیمی نظیر تغییر رژیم،<sup>۱</sup> هژمونی خیرخواهانه،<sup>۲</sup> نظام تک‌قطبی،<sup>۳</sup> پیشدستی<sup>۴</sup> و استثناگرایی امریکایی<sup>۵</sup> می‌شد: این مفاهیم به نشانه‌هایی از سیاست خارجی دولت بوش تبدیل شدند (Fukuyama, 2006, p. 25). یکی از شاخص‌های مهم نومحافظه‌کاران در حوزه مسائل امنیتی مربوط به دفاع سرسختانه آنان از ضرورت استقرار سامانه دفاع موشکی برای تأمین امنیت ملی امریکاست. آنان حتی حرکت در یک مسیر یک‌جانبه و بدون کسب مشورت و رضایت متحدان را برای تحقق چنین طرحی غیرمنطقی نمی‌دانند. پیروزی جرج بوش در انتخابات ریاست جمهوری طیف گسترده‌ای از نومحافظه‌کاران را وارد دوایر سیاستگذاری امریکا کرد و همین موجب شد تا در دوره زمامداری بوش تلاش‌های بیشتری برای اجرای طرح دفاع موشکی صورت گیرد. این تلاش‌ها حتی پس از خروج شماری از نومحافظه‌کاران از دولت در دوره دوم ریاست جمهوری بوش کماکان ادامه پیدا کرد.

### ۳-۱-۲ تأثیر حادثه یازدهم سپتامبر

حادثه یازدهم سپتامبر تأثیر فزاینده‌ای در سیاست امنیتی و خارجی امریکا بر جای گذاشت؛ به‌ویژه، گروه نومحافظه‌کار حاکم بر کاخ سفید این حوادث را به بهانه‌ای برای اجرای ملاحظات و منویات خود در هر دو حوزه داخلی و خارجی تبدیل کرد. آنان بر این نکته تأکید داشتند که این حوادث مؤید آن است که گروه‌های تروریستی نسبت به گذشته سازمان‌دهی بهتری دارند و از نظر عملکردی پیچیدگی‌های بیشتری یافته‌اند به نحوی که

1. Regime Change
2. Benevolent Hegemony
3. Unipolarity
4. Preemption

۵. American Exceptionalism، استثناگرایی امریکایی به لحاظ تاریخی مربوط به تصویری است که بر آن است ایالات متحده به دلیل برخورداری از ریشه‌های منحصر به فرد، عقیده ملی، و تکامل تاریخی خاص خود با داشتن نهادهای متمایز سیاسی و مذهبی از نظر کیفی با دیگر کشورهای توسعه‌یافته تفاوت دارد.

قادر شده‌اند عینی و علنی امنیت ملی امریکا را تهدید کنند. از این رو، ایالات متحده باید به صورتی جدی دربارهٔ رفع این تهدید اقدام کند.

این وضعیت دو تأثیر تهاجمی و تدافعی آشکار در سیاست خارجی امریکا داشت: در بُعد تهاجمی اندیشهٔ حملهٔ پیشدستانه شکل گرفت و موجبات حمله امریکا به عراق را فراهم آورد. اما حملات یازدهم سپتامبر از نظر دفاعی بهانه‌ای را برای هواداران طرح دفاع موشکی ایجاد کرد تا بر ضرورت اجرای این طرح تأکید بیشتری بورزند. آنان خاطر نشان ساختند که یازدهم سپتامبر افزایش توانمندی نیروهای متخاصم را برای ضربه زدن به امریکا نمایان کرده است.

بسیاری از طرفداران طرح دفاع موشکی اعتقاد داشتند که اگر به گروه‌های تروریستی نظیر القاعده فرصت داده شود، آنان بی‌میل نیستند سلاح‌های کشتار جمعی را به دست آورند و بر ضد دشمنان خود (از جمله امریکا) به کار ببرند (Mathis, 2006, p. 2). از این رو، ایالات متحده باید از طریق تسریع در جریان اجرای طرح دفاع موشکی به رفع تهدیدات آتی پردازد.

## ۲-۲ سیر تحول طرح دفاع موشکی در دولت بوش

مطالعهٔ نحوهٔ عملکرد دولت بوش در خصوص طرح دفاع موشکی از بروز برخی تحولات مهم در این برنامه حکایت دارد. این تحولات نقطهٔ عطفی در تعیین سرنوشت نهایی این طرح به حساب می‌آید.

### ۲-۲-۱ دستور امنیت ملی رئیس‌جمهور

اولین گام عمده در برنامهٔ دولت بوش برای تحول در سامانهٔ دفاع موشکی با انتشار فرمان سیاست ملی در مورد دفاع موشکی بالستیک پدید آمد. بوش در این دستور راهنمایی را برای وزارت دفاع فراهم کرد تا این وزارتخانه قابلیت‌های دفاعی و بازدارندگی امریکا را برای پاسخگویی به تهدیدات در حال ظهور بازسازی کند. این دستور وزیر دفاع را ملزم می‌ساخت که فناوری‌های موجود را برای استفاده در دفاع موشکی به نحوی آزمایش کند و به کار

گیرد که ایالات متحده، نیروها، متحدان، و دوستانش در امان باشند. برنامه دفاع موشکی دولت بر فعالیت قبلی وزارت دفاع مبتنی بود و مجموعه‌ای قوی از فعالیت‌های تحقیق، توسعه، مهندسی و آزمون را به کار می‌گرفت که برای گسترش دفاع چندلایه طراحی شده بود. این دفاع بر اساس قابلیت موشک‌های رهگیر با بردهای مختلف در همه اشکال پروازی بنا نهاده شده بود. بوش این تلاش را یکی از اولویت‌های اول ملی خواند و اعلام کرد که دفاع موشکی جزئی اصلی از تلاش وسیع‌تر برای محافظت از مردم امریکاست. به علاوه، سیاست جدید همچنین به وزارت دفاع دستور می‌داد تا ترکیب سه‌گانه‌ای از قابلیت‌های تهاجمی متعارف و هسته‌ای دوربرد، سامانه‌های دفاع موشکی، و زیرساخت توسعه صنعتی و تحقیقاتی را به کار گیرد (National Policy on Ballistic Missile Defense, 2003, p. 2).

عناصر سامانه دفاعی موشکی ویژه‌ای که وزارت دفاع امریکا قصد داشت تا در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ از آن استفاده عملیاتی کند شامل رهگیرهای زمین‌پایه، رهگیرهای دریایی، واحدهای پاتریوت مضاعف، و حسگرهای مستقر در زمین، دریا، و فضا بود. برای سرعت بخشیدن به استقرار این سامانه‌ها، وزارت دفاع امریکا رویکرد موسوم به رهیافت توسعه مارپیچی را برای کسب اجازه اولیه جهت به کارگیری قابلیت‌های محدود اتخاذ کرد و در عین حال به توسعه و ارتقای این سامانه‌ها ادامه داد.

در پی انتشار دستور بوش، رامسفلد وزیر دفاع امریکا خود یک دستور سازمانی را منتشر ساخت که مأموریت سامانه‌های دفاع موشکی بالستیک امریکا را کاملاً احیا می‌کرد. بر همین اساس، وزارت دفاع تصمیم گرفت تا تمایز بین سامانه دفاع موشکی ملی و منطقه‌ای — که مربوط به ایجاد سپر موشکی برای حفاظت از یک منطقه خاص بود — را از بین ببرد. در حالی که این دستور بازتاب بسیاری از تغییرات بدیع در برنامه‌های دفاع موشکی بود، اما ارزش واقعی آن مربوط به این واقعیت بود که این دستور فرمانی رسمی برای استقرار سامانه دفاع موشکی جهانی به حساب می‌آمد. این سامانه باید قادر باشد از سرزمین امریکا و نیز نیروها و متحدان و دوستان آن در خارج از کشور محافظت کند (Hostettler, 2003, p. 6).

**۲-۲-۲ بازنگری وضعیت هسته‌ای در سال ۲۰۰۲**

عامل دیگری که کمک بارزی به تغییر برنامه دفاع موشکی دولت بوش کرد مربوط به انتشار برنامه بازنگری وضعیت هسته‌ای در ژانویه ۲۰۰۲ بود که با مدیریت کنگره صورت گرفت. این بازنگری تغییرات حادث در محیط امنیتی پساجنگ سرد را مورد نظر قرار داد و اعلام کرد که در نتیجه تغییرات مطلوب در روابط آمریکا و روسیه ساخت تسلیحات هسته‌ای را می‌توان کاهش داد (Nuclear Posture Review, 2004, p. 7). این بازنگری همچنین بیانگر تغییر چشمگیری در مجموعه نظامی سه‌گانه دوران جنگ سرد - شامل موشک‌های بالستیک بین قاره‌ای، موشک‌های بالستیک نصب‌شده بر زیردریایی‌ها، و بمب‌افکن‌های مسلح به سلاح‌های هسته‌ای - بود که موضعی تهاجمی داشت.

طرح بازنگری سال ۲۰۰۲ مجموعه سه‌گانه جدیدی را ایجاد کرد: (۱) سامانه‌های ضربات تهاجمی (هسته‌ای و غیرهسته‌ای)، (۲) دفاعی (فعال و غیرفعال)، و (۳) زیرساخت احیاشده‌ای که سبکی بهنگام‌تر و با قابلیت‌های جدیدی را برای مقابله با تهدیدات نوظهور ارائه می‌کرد. ترکیب قابلیت‌های تدافعی و تهاجمی که این مجموعه سه‌گانه جدید را تشکیل می‌دهد به منظور کاهش خطر برای کشوری است که نیروهای هسته‌ای خود را کاهش می‌دهد و همزمان قابلیت خویش را برای بازدارندگی در مواجهه با اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی بهبود می‌بخشد. وزارت دفاع آمریکا به موجب بخش مربوط به دفاع موشکی در این ترکیب سه‌گانه جدید سامانه‌های جدید طراحی شده‌ای را برای جلوگیری یا کاهش کارایی حملات موشکی محدود دشمن اضافه خواهد کرد. امکان انتخاب این قابلیت پیش‌تر، به واسطه محدودیت‌های ناشی از الزامات معاهدات بین‌المللی یا موانع ژئواستراتژیک دیگر، مسدود شده بود (Mathis, ibid., p. 6).

**۲-۲-۳ خروج از معاهده موشکی ضد بالستیک**

شاید مهم‌ترین وجه سیاست دولت بوش که در توسعه طرح دفاع موشکی تأثیر گذاشت تصمیم این کشور به خروج از معاهده موشکی ضد بالستیک در سال ۲۰۰۱ بود. تا این



زمان، معاهده موشکی ضد بالستیک یک مانع مهم برای توسعه سیستم دفاع موشکی بالستیک محسوب می‌شد. امریکا و اتحاد جماهیر شوروی چندین دهه کلاهک‌های هسته‌ای استراتژیک مهمی را که به نحوی چشمگیر به موشک‌های بالستیک متکی بودند مستقر ساخته بودند. ایالات متحده در تلاش برای متوقف ساختن شوروی سابق از افزایش بیشتر تعداد چنین سامانه‌هایی درصدد برآمد با این کشور در مورد محدودسازی تسلیحات تهاجمی استراتژیک<sup>۱</sup> به توافقی موقت دست یابد و در سال ۱۹۷۲ به این توافق دست یافت. این توافق تعداد پرتاب‌کننده‌های موشک بالستیک استراتژیک هر دو طرف را در سطوح موجود ثابت نگاه می‌داشت. در همین زمان دو طرف وارد معاهده رسمی دیگری در مورد محدودسازی سامانه‌های موشکی ضد بالستیک یا سامانه‌های طراحی شده برای دفاع در برابر موشک‌های بالستیک استراتژیک شدند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ سنگ‌بنای معاهده موشکی ضد بالستیک نیز تغییر کرد. با این حال، در معاهده دوم مذاکرات کاهش سلاح‌های استراتژیک (استارت)<sup>۲</sup> هم امریکا و هم روسیه با کاهش اساسی نیروهای هسته‌ای استراتژیک خود موافقت کردند. رفع این مانع به امریکا آزادی داد سامانه‌های دفاع موشکی خود را توسعه دهد، آزمایش کند، و به هر سبک مطلوب این کشور آنها را مستقر سازد.

### ۲-۳ طرح استقرار سامانه دفاع موشکی در اروپا

بدون شک طی سال‌های اخیر آنچه موجبات اوج‌گیری مجدد مباحث و مناظرات مرتبط با موضوع سامانه دفاع موشکی را فراهم ساخته مربوط به اعلام نظر دولت بوش در خصوص ایجاد چنین سامانه‌ای در منطقه اروپای شرقی است. اعلام این خبر حساسیت‌ها و واکنش‌های مختلفی را در بین دولت‌ها برانگیخته است. در واقع، دولت امریکا برای ایجاد یک سپر دفاعی وسیع تصمیم گرفته است موشک‌های رهگیر خود را در اروپا مستقر سازد.

1. Strategic Offensive Arms

2. Strategic Arms Reduction Talks (START) II Treaty

مقامات امریکا ادعا کرده‌اند که رهگیرهای زمین پایه مستقر در امریکا برای دفاع در برابر حملات احتمالی کره شمالی به‌خوبی پیش‌بینی و مستقر شده‌اند، اما برای رهگیری حملات از خاور میانه مطلوب نیستند. از این رو، چنین برنامه‌ریزی شده که تعداد ۱۰ موشک رهگیر زمین پایه در لهستان استقرار یابد که با رادار باند ایکس در جمهوری چک مرتبط خواهند بود. به گفته مقامات امریکا، این سامانه نه تنها امکان رهگیری موشک‌های شلیک‌شده به سرزمین امریکا بلکه همچنین امکان رهگیری حملات به خود اروپا را نیز فراهم می‌آورد (US Missile Defense: A Strategic ..., 2007, p. 2).

واشینگتن علی‌رغم مخالفت‌های وسیع ابراز شده با این طرح جدید امریکا استدلال می‌کند که تهدید موشک‌های هسته‌ای دوربرد از ایران یا کره شمالی چنین اقدامی را توجیه می‌کند (Tinger, 2007, p. 10). دولت بوش به‌شدت بر ضرورت اجرای طرح جدید خود برای ایجاد سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی تأکید می‌ورزد که مقاومت‌ها و مخالفت‌های گسترده‌ای را در جهان ایجاد کرده است - که در گفتار بعد مورد بحث قرار خواهد گرفت. بر همین اساس، ایالات متحده ظرفیت دیپلماتیک و سیعی را به جلب نظر مساعد مخالفان طرح اختصاص داده است. اگر زمینه‌های اولیه طرح جدید امریکا تحقق یابد، تحول مهمی در سرشت و سرنوشت طرح‌های دفاع موشکی امریکا ایجاد خواهد شد. این تحول توسعه گستره عملیاتی این طرح تا حد اجرای آن در مناطق خارج از قلمرو امریکا را به دنبال دارد.

### ۳ واکنش‌های بین‌المللی به طرح دفاع موشکی امریکا

طرح دفاع موشکی امریکا به دلیل دامنه وسیع تأثیرگذاری آن و نیز پیامدهای مستقیم آن برای نظام بین‌الملل به‌ویژه در ابعاد امنیتی همواره با واکنش اعضای جامعه بین‌المللی مواجه بوده است. در واقع، چه در دوران جنگ سرد و چه در دوره پس از جنگ سرد، هرگاه تحولی در مورد اجرای طرح دفاع موشکی امریکا صورت گرفته است، واکنش و موضع‌گیری بسیاری از دولت‌ها را در پی داشته است. به همین ترتیب، اعلام خبر تصمیم دولت بوش برای استقرار

سامانه دفاع موشکی در اروپای شرقی نیز با واکنش بسیاری از بازیگران بین‌المللی مواجه شد و مناظرات دیپلماتیک شدیدی را در سطح نظام بین‌الملل برانگیخت. از این رو، برای درک جامع تحولات مرتبط با موضوع طرح دفاع موشکی به شدت نیازمند آنیم که از عمده‌ترین واکنش‌های بین‌المللی بازیگران مختلف در قبال این طرح اطلاع داشته باشیم. بر همین اساس، در این گفتار به بررسی موضع‌گیری برخی از مهم‌ترین بازیگران بین‌المللی در قبال طرح دفاع موشکی امریکا و به طور خاص طرح استقرار این سامانه در اروپای شرقی می‌پردازیم. این بررسی متضمن تبیین دیدگاه‌های اتحادیه اروپا، روسیه، و چین در نقش بازیگران مهم و ذی‌مدخل در فرایندهای کلان معطوف به امنیت نظام بین‌الملل است. علاوه بر این بازیگران، مواضع دو کشور ایران و کره شمالی — که امریکا تهدید آنان را دلیل اجرای طرح خود معرفی کرده است — نیز بررسی می‌شود.

### ۱-۳ اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا و اعضای آن از جمله بازیگرانی‌اند که موضع فعالی را در قبال طرح دفاع موشکی امریکا اتخاذ کرده‌اند. مقامات رسمی در اتحادیه اروپا، در ابتدا به مخاطرات ناشی از اجرای این طرح اشاراتی کرده‌اند. خاویر سولانا، مسئول عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا، هشدار داده بود که هر گونه تصمیم احتمالی کشورهای عضو این اتحادیه برای مشارکت در طرح سپر ضد موشکی امریکا ممکن است به رنجش مسکو منجر شود. به گفته سولانا، ایجاد بخش‌هایی از این سپر موشکی در خاک اتحادیه اروپا روابط این اتحادیه با کشورهای ثالث یعنی روسیه را تحت تأثیر قرار خواهد داد (EU's Solana, Participation in ..., 2007). در واقع برخی از، مقامات اتحادیه اروپا رویکرد محتاطانه‌ای در واکنش به اجرای طرح سپر موشکی در قلمرو این اتحادیه اتخاذ کردند.

واکنش دولت‌های اروپایی به ایجاد سپر دفاع موشکی امریکا در خاک اروپا طیف متفاوتی از موضع‌گیری‌های مثبت، مشروط، و منفی را در بر می‌گیرد. لهستان و جمهوری

چک به اجرای این طرح تمایل نشان داده‌اند و با مذاکرات بیشتر در این مورد موافقت کرده‌اند. این دو کشور انتظار دارند که اقدام امریکا در ارائه سامانه حفاظتی مضاعف برای آنان در برابر روسیه به تدارک روابط نزدیک‌تر میان آنان و ایالات متحده منجر شود (US Missile Defense ..., ibid., p. 2). الکساندر وندار، معاون نخست‌وزیر جمهوری چک در توجیه رویکرد مثبت کشورش به میزبانی طرح سپر دفاع موشکی امریکا اعلام کرد که اروپا به چنین طرحی نیاز دارد. به گفته وی، اگر اروپا به بخشی از سامانه دفاع موشکی امریکا تبدیل شود، برای روابط امریکا و اروپا مطلوب خواهد بود (Harris, 2007, p. 10). از سوی دیگر، در انگلستان تونی بلر، نخست‌وزیر سابق این کشور، بدون قید و شرط از این طرح حمایت کرد و حتی به رایزنی برای استقرار بخش‌هایی از سامانه دفاع موشکی در خاک انگلستان پرداخت (Neuger, 2007, p. 5). بر طبق گزارش رسانه‌ها، لندن درگیر تلاشی شدید برای استقرار موشک‌های رهگیر در قلمرو بریتانیا بوده است.

اما دیگر دولت‌های اروپایی نظیر آلمان و فرانسه ابتدا با اتخاذ سیاست سکوت یا مخالفت به این طرح واکنش نشان دادند. شرکای آنجلا مرکل در ائتلاف سوسیال دموکرات آلمان از رنجش روسیه ابراز نگرانی کردند و خاطر نشان ساختند که ایجاد طرح دفاع موشکی در اروپا امنیت این قاره را تهدید خواهد کرد (Ibid.). البته مرکل خود به صورت مشروط و در صورت رفع نگرانی‌های امنیتی ناشی از اجرای طرح با استقرار سامانه دفاع موشکی در اروپا موافقت کرده است. وی خواستار آن است که موضوع استقرار دفاع موشکی در اروپا از طریق ناتو پیگیری شود و نه به صورت دوجانبه (Harris, ibid.).

در مجموع، این موضوع به بروز اختلاف در اروپا منجر شده است. مجمع اتحادیه اروپا در این باره دچار انشعاب شده است. برخی از نمایندگان این مجمع در مورد احتمال یک مسابقه تسلیحاتی جدید هشدار داده‌اند در حالی که برخی دیگر استدلال می‌کنند که دولت‌های عضو اتحادیه اروپا (از جمله جمهوری چک و لهستان) حق دفاع از خود را دارند.

در اروپا کسانی که با استقرار طرح دفاع موشکی مخالف‌اند در توضیح دلایل مخالفت

خود به مباحث مختلفی اشاره می‌کنند. یکی از مهم‌ترین دلایل در این باره مربوط به تأثیر منفی این اقدام در روابط اتحادیه اروپا و روسیه است. آنان معتقدند که روسیه ممکن است در پاسخ به تلاش امریکا برای ایجاد طرح دفاع موشکی در اروپا به اقداماتی مبادرت ورزد که برای امنیت اروپا تأثیراتی منفی به همراه داشته باشد.

دلیل دیگر برای بروز مجادله در خصوص طرح دفاع موشکی در اروپا مربوط به اختلافات موجود در مورد ضرورت ایجاد دیواره دفاع موشکی است. شماری از حکومت‌ها و متخصصان اروپایی به هیچ وجه متقاعد نمی‌شوند که ایران تا سال ۲۰۱۵ آن طور که وزارت دفاع ایالات متحده پیش‌بینی کرده قادر به تهدید اروپا و امریکا با موشک‌های هسته‌ای باشد (US Missile Defense ..., ibid.). از آن گذشته، بسیاری از اروپایی‌ها اساساً این موضوع را قبول ندارند که ایران در تدارک حمله به اروپاست. گذشته از این دلایل، برخی دولت‌های اروپایی به این دلیل که طرح استقرار سامانه دفاع موشکی امریکا در اروپای شرقی به نقش و کارکرد اتحادیه ناتو توجهی ندارد به مخالفت با آن برخاستند و بعضاً خواستار مشارکت این اتحادیه در این طرح شده‌اند.

## ۲-۳ روسیه

روسیه بدون شک مهم‌ترین منتقد طرح‌های دفاع موشکی امریکا بوده است. در دوره‌های مختلف قبل و بعد از فروپاشی شوروی، هرگاه مقامات امریکا موضوع استقرار سامانه دفاع موشکی را مطرح می‌کردند، مسکو به ابراز مخالفت جدی و فعال با این طرح‌ها می‌پرداخت. از این رو، باید روسیه را یکی از مهم‌ترین چالش‌های فرا روی امریکا برای برپایی طرح سپر موشکی دانست. به همین دلیل، در دوره پساجنگ سرد مقامات امریکا همواره بخش عمده‌ای از مساعی دیپلماتیک خود را به کاهش مخالفت مسکو با طرح‌های دفاع موشکی اختصاص می‌دادند. بر همین اساس، مقامات امریکا پس از طرح تصمیم این کشور برای استقرار سامانه دفاع موشکی در اروپای شرقی تلاش زیادی به عمل آوردند تا روسیه را متقاعد سازند که این طرح تهدیدی برای آن کشور نیست.

با وجود تلاش‌های دیپلماتیک امریکا، روسیه همچنان مهم‌ترین منتقد طرح دفاع موشکی ایالات متحده است. روسیه پیشنهاد امریکا برای استقرار این طرح در اروپا را دلیلی برای ایجاد فاصله از غرب می‌داند و در ضمن تلاش می‌کند تا حد ممکن در بین کشورهای جبهه غرب درباره طرح دفاع موشکی اختلاف ایجاد کند. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور وقت روسیه، در کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۰۷ به شدت از امریکا به علت تلاش برای ایجاد «جهان تک‌قطبی» و نظامی کردن فضا انتقاد کرد و در خصوص به راه افتادن یک مسابقه تسلیحاتی اجتناب‌ناپذیر هشدار داد. از آن زمان، روسیه مکرراً اعلام کرده که افزایش قابلیت استراتژیک امریکا در اروپا قدرت بازدارندگی روسیه را کاهش می‌دهد به‌ویژه آنکه بعید است واشینگتن در بلندمدت فقط به استقرار ۱۰ موشک در لهستان اکتفا کند.

مسکو همچنین تهدید کرده است که لهستان و جمهوری چک را در شمول پایگاه اطلاعاتی خود قرار خواهد داد که اهداف نظامی روسیه در آن قرار دارد و همچنین هشدار داده است که معاهده نیروهای هسته‌ای میان‌بردا را لغو خواهد کرد که استقرار سامانه‌های میان‌برد هسته‌ای را ممنوع می‌سازد (Ibid.). روسیه در اقدام مهم دیگری عضویت خود را در پیمان نیروهای متعارف اروپا به حالت تعلیق درآورد. این حاکی از آن بود که مخالفت روسیه با طرح دفاع موشکی امریکا صرفاً در سطح مواضع اعلامی نظیر موضع‌گیری‌های اظهاری دیپلماتیک محدود نخواهد ماند و این مخالفت به اتخاذ اقدامات عملی مسکو نیز خواهد انجامید.

روسیه برای ابراز مخالفت با طرح دفاع موشکی امریکا دلایل مختلفی دارد، از جمله آنکه این کشور نگران پیشروی نظامی و امنیتی امریکا به طرف مرزهای روسیه است. استقرار طرح دفاع موشکی امریکا در اروپای شرقی این پیشروی را تسهیل می‌کند. از آن گذشته، اروپای شرقی منطقه‌ای است که سابقاً در حوزه نفوذ مستقیم روسیه قرار داشته است. در دوران اتحاد جماهیر شوروی، عمده معادلات کلان امنیتی این منطقه با نظر مسکو

### \_\_\_\_\_ طرح دفاع موشکی امریکا و تأثیرات آن بر امنیت بین‌الملل ۱۳۷

تعیین می‌شد. اما استقرار طرح دفاع موشکی امریکا در این منطقه مؤید تضعیف نفوذ روسیه در این حوزه و ورود مؤثر امریکا در ترتیبات امنیتی این منطقه است.

یکی دیگر از دلایل مخالفت مسکو با این طرح متضرر شدن روسیه از برهم خوردن اجتناب‌ناپذیر توازن قدرت جهانی در پی اجرای طرح سپر موشکی است. تضعیف توان بازدارندگی روسیه این کشور را به سمت تقویت قابلیت‌های نظامی خود تا حد احیای نظام توازن قدرت خواهد راند. البته تحقق این امر نیازمند تخصیص منابع مالی لازم به بخش‌های دفاعی و نظامی و افزایش میزان بودجه آنهاست. این در حالی است که حتی خود تحلیلگران روسی نیز خاطر نشان ساخته‌اند که کشورشان علی‌رغم قرار گرفتن در وضعیت احیای اقتصادی هنوز در موقعیتی نیست که درگیر تقابل امنیتی عمده‌ای با حکومت‌های غربی شود (Weitz, 2007, p. 12).

البته برخی مقامات روسی از قابلیت این کشور برای بی‌اثر ساختن سپر موشکی امریکا سخن گفته‌اند. از آن جمله سرگئی ایوانف، وزیر دفاع روسیه، برنامه دفاع موشکی امریکا را شبیه افسانه خوانده است، زیرا موشک‌های روسی به آسانی قادر خواهند بود که از این سپر دفاعی عبور کنند (Mizin, 2003, p. 11). اما واقعیت آن است که روسیه ناگزیر از صرف هزینه‌های گزاف برای بی‌اثر ساختن طرح دفاع موشکی امریکا خواهد بود و این یکی دیگر از دلایل مخالفت مسکو با این طرح به شمار می‌رود.

### ۳-۳ چین

جمهوری خلق چین نیز یکی از منتقدان پایدار طرح‌های دفاع موشکی امریکا بوده است. در سال ۱۹۸۳ پس از آنکه رونالد ریگان برنامه ابتکار دفاع استراتژیک را به راه انداخت مقامات و متخصصان چینی مطالعه تأثیرات برنامه‌های دفاع موشکی امریکا در امنیت چین را آغاز کردند. حتی در دهه ۱۹۸۰ و در جریان تجدید روابط چین و امریکا استراتژیست‌های چینی بر این اساس که طرح ابتکار دفاع استراتژیک، مسابقه تسلیحاتی

میان شوروی و آمریکا را تسریع خواهد کرد با این طرح به مخالفت پرداختند. در دهه ۱۹۸۰ متخصصان چینی نتیجه گرفتند که این طرح برای چهار هدف ملی آنان زیانبار است: «حفظ محیط بین‌المللی صلح‌آمیز، حفظ بازدارندگی هسته‌ای معتبر، مدرنیزه ساختن اقتصاد چین، و بهبود موقعیت چین در جامعه بین‌المللی». اجرای ابتکار دفاع استراتژیک مسابقه تسلیحاتی استراتژیک ابرقدرت‌ها را تحریک خواهد کرد و با عقب راندن چین در پشت سر آمریکا و شوروی بازدارندگی هسته‌ای پکن را تضعیف می‌کند.

محققان چینی اعتقاد داشتند که هدف ابتکار دفاع استراتژیک، دفاع از آمریکا در برابر حمله موشکی نیست، بلکه این طرح بخشی از یک استراتژی کلی اقتصادی، سیاسی، و نظامی با هدف بهبود موضع آمریکا در نظام توازن جهانی در برابر اتحاد جماهیر شوروی است. متخصصان چینی نتیجه گرفتند که برای چین سه گزینه فناورانه احتمالی در پاسخ به اجرای ابتکار دفاع استراتژیک وجود دارد:

۱. توسعه نیروهای تهاجمی (پاسخ کمی)،
۲. انجام اقدامات متقابل نظیر ایجاد سپر محافظ و توسعه موشک‌های بالستیک برای رخنه در سامانه‌های دفاع موشکی (پاسخ کیفی)،
۳. استقرار سامانه‌هایی نظیر سلاح‌های ضد ماهواره<sup>۱</sup> برای تخریب فضایی که آمریکا در آن سامانه‌های دفاع موشکی را مستقر کرده است (China's Opposition ..., 2000). در مجموع، چین یکی از مهم‌ترین منتقدان طرح‌های دفاع موشکی آمریکا در دوره جنگ سرد باقی ماند. در دوره پس از جنگ سرد نیز مخالفت پکن با طرح‌های آمریکا در این زمینه ادامه پیدا کرد، از جمله این کشور از منتقدان جدی طرح دفاع موشکی ملی آمریکا بود. مخالفت چین با برنامه‌های دفاع ملی موشکی مبتنی بر دو استدلال اصلی بود. از یک طرف، چین نگران آن بود که تلاش‌های آمریکا برای اصلاح معاهده موشکی ضد بالستیک و طرح‌های مربوط به استقرار سامانه دفاع ملی موشکی چندمکانی به شدت قابلیت بازدارندگی



استراتژیک چین را تضعیف کند. از طرف دیگر، طرح‌های مربوط به دفاع موشکی ملی به توقف کامل فرایند کاهش تسلیحات استراتژیک میان امریکا و چین منجر می‌شود و به ازسرگیری احتمالی مسابقه تسلیحاتی منجر شده و وضعیت کلی در دیگر تلاش‌های مربوط به نظارت جهانی بر تسلیحات نظیر معاهده پیمان جامع منع آزمایش هسته‌ای<sup>۱</sup> را وخیم خواهد کرد (Medeiros, 1999, p. 4).

از آن گذشته، مخالفت چین با طرح‌های دفاع موشکی امریکا ناشی از نگرانی‌های این کشور از احتمال تسری این طرح به محیط پیرامونی چین نیز بوده است. در سال‌های گذشته، برخی مباحث در خصوص احتمال اجرای بخش‌هایی از طرح دفاع موشکی امریکا در تایوان وجود داشته است. چین به شدت مخالف آن است که امریکا سامانه‌های دفاع موشکی تایوان را تأمین کند. از نظر پکن، این مسئله به جدایی طلبان تایوان برای اعلام استقلال از چین جسارت خواهد بخشید. پکن تایوان را جزء لاینفک چین می‌داند و هر گونه اقدامی را که به تشویق جدایی طلبی مستمر تایوان منجر شود نقض حاکمیت خود قلمداد می‌کند. از آنجا که چین در حال حاضر ناتوان از حمله به تایوان است، به موشک‌های بالستیک خود برای بازداشتن تایوان از اعلام استقلال متکی است. به همین دلیل، مقامات چینی به شدت با انتقال هر نوع سامانه دفاع موشکی به تایوان مخالفت می‌کنند (China's Oppositions ..., ibid.).

علاوه بر این مسئله، چین از همکاری ژاپن با امریکا در زمینه دفاع موشکی نگران است. سال‌ها، تا پیش از آزمایش موشکی کره شمالی در سال ۱۹۹۸، همکاری امریکا و ژاپن در این مورد متوقف بود. ژاپن مکرراً مشارکت در برنامه دفاع موشکی منطقه‌ای امریکا را مطالعه اما از پذیرش تعهدات صریح در این زمینه خودداری کرده بود. در ۱۴ فوریه ۱۹۹۸، امریکا و ژاپن در مورد اجرای تحقیقات مشترک در مورد فناوری پرتاب موشک در خارج از جو به توافق رسیدند. البته، تا پیش از پرتاب موشک کره شمالی،

امریکا و ژاپن ضرورتی برای اجرای این طرح احساس نمی کردند. اما در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۸ واشینگتن و توکیو اعلام کردند که برای اجرای تحقیقات مشترک در مورد سامانه دفاع موشکی منطقه‌ای به توافق رسیده‌اند و در ۱۶ اوت ۱۹۹۹ دو کشور موافقتنامه‌ای را برای برنامه‌ای پنج‌ساله به امضا رساندند که بر اموری نظیر توسعه یک نوع حسگر پیشرفته موشکی و کلاهک سیال پیشرفته تمرکز داشت (Ibid.). به این ترتیب، امریکا در پیشبرد برنامه‌های دفاعی موشکی خود عمدتاً به ژاپن به دیده یک بازیگر همراه می‌نگرد. ژاپن اخیراً نیز حمایت خود را از استقرار طرح دفاع موشکی امریکا ابراز داشته است.

همکاری‌های ژاپن و امریکا یکی دیگر از منابع نگرانی دولت چین را تشکیل می‌دهد. پکن نگران گسترش طرح‌های دفاع موشکی در کنار مرزهای خویش است. بر همین اساس، مقامات این کشور با استقرار سامانه دفاعی موشکی امریکا در اروپای شرقی مخالفت کرده‌اند. برخی مقامات چینی در خصوص اهداف واقعی امریکا از استقرار سامانه دفاع موشکی تردیدهایی دارند. تانگ ژیاژان،<sup>۱</sup> وزیر خارجه سابق چین، این سؤال را مطرح کرده است (Jiaxuan, 2001) که آیا این سامانه واقعاً برای دفاع در برابر تهدید موشکی چند دولت معهود مسئله‌دار کار گذاشته می‌شود یا برای کسب مزیت نظامی بیشتر بر دیگر کشورهای بزرگ دنیا دنبال می‌شود؟

بر همین اساس، متخصصان و مقامات چینی صریحاً اظهار می‌کنند که طرح دفاع موشکی امریکا بر ضد چین سامان یافته است. پکن اعتقاد دارد که تهدید موشکی علیه سرزمین امریکا توسط دولت‌های (به اصطلاح) یاغی بزرگنمایی شده و امریکا از تهدید موشکی به مانند بهانه‌ای برای مساعدت به ژاپن در تحقیق و توسعه دفاع موشکی و برای مهار چین استفاده می‌کند. تحلیلگران چینی همچنین نگران آن‌اند که استقرار سامانه دفاع موشکی، مسابقه تسلیحاتی را میان امریکا و چین، چین و تایوان، و روسیه و امریکا تحریک کند (China's Opposition ..., ibid.).

1. Tang Jiaxuan

#### ۳-۴ جمهوری اسلامی ایران

از آنجا که مقامات امریکا تهدید موشکی دو کشور ایران و کره شمالی را توجیه پیشبرد طرح دفاع موشکی خود معرفی می‌کنند لازم است تا مواضع هریک از این دو کشور در قبال این طرح نیز تبیین شود. جمهوری اسلامی ایران اساساً طرح دفاع موشکی امریکا را در راستای تلاش دولتمردان این کشور برای تثبیت نقش هژمونیک امریکا در نظام بین‌الملل قلمداد می‌کند و آن را ابزاری برای افزایش یک‌جانبه‌گرایی توسعه‌طلبانه واشینگتن در جهان به حساب می‌آورد؛ از این رو، طرح جدید امریکا برای استقرار سامانه دفاع موشکی در اروپای شرقی با مخالفت اساسی ایران مواجه شده است.

از سوی دیگر تهران با رد ادعاهای امریکا مبنی بر تهدیدآمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران برای اروپا - که توجیه استقرار طرح دفاع موشکی امریکا در اروپای شرقی است - طرح این ادعاها را برای منحرف کردن افکار عمومی جهان از اهداف واقعی واشینگتن از برپایی این سامانه تلقی می‌کند که همانا تقویت نظام تک‌قطبی به رهبری امریکا در جهان است.

به طور کلی، با ارزیابی اظهارات مقامات عالی‌رتبه کشور، مواضع جمهوری اسلامی ایران را در قبال طرح امریکا برای ایجاد سپر موشکی در اروپای شرقی بدین شرح می‌توان توضیح داد:  
اول: ایران تأکید می‌کند که قابلیت‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران از نظر عملیاتی اساساً گمان تهدیدآمیز بودن آن را برای اروپا بی‌اعتبار می‌سازد، زیرا برد موشک‌های ایران به اروپا نمی‌رسد (Iran U. S. Missile ..., 2007).

دوم: ادعای امریکا در خصوص حمله احتمالی ایران به اروپا مبنای منطقی ندارد. مقامات ایران تأکید کرده‌اند که اروپا مهم‌ترین شریک تجاری ایران است (Iran Calls ..., 2007). تبادلات تجاری و بازرگانی فراوان بین ایران و اتحادیه اروپا و پیامدهای منفی ناشی از کاهش این تبادلات برای هر دو طرف هر گونه احتمالی را برای تبدیل قلمرو اروپا به هدفی برای موشک‌های ایرانی از بین می‌برد.

سوم: همان‌طور که اشاره شد، یک موضع ثابت جمهوری اسلامی ایران در مورد طرح امریکا برای استقرار سامانه دفاع موشکی در اروپا و توجیه مربوط به آن در خصوص خطر فعالیت‌های موشکی ایران و کره شمالی آن است که چنین ادعاهایی برای انحراف جهانیان از نیت واقعی واشینگتن صورت می‌گیرد. علی لاریجانی، دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی و رئیس مجلس ایران، در این باره خاطر نشان ساخته است که می‌توان فرض کرد امریکا در پی طرح بزرگ‌تری است و از این رو به چنین تبلیغاتی برای منحرف ساختن افکار عمومی از دیگر اهداف خود متوسل می‌شود (Ibid.). با توجه به همین دلایل است که وی برنامه‌های امریکا را برای ایجاد بخش‌هایی از سامانه دفاع موشکی در اروپا برای مقابله با تهدید ایران به «جوک» تشبیه کرده است (Iran, Russia ..., 2007).

### ۵-۳ کره شمالی

کره شمالی نیز برنامه‌های امریکا برای استقرار سامانه دفاع موشکی در اروپا را به باد انتقاد گرفته و هشدار داده است که، در صورت اجرای این طرح، کره شمالی نیز به تقویت بازدارندگی مبتنی بر اصل دفاع از خود خواهد پرداخت. وزارت امور خارجه کره شمالی طی بیانیه‌ای تصریح کرده است که امریکا ادعا دارد که برای مصونیت در برابر حملات موشکی کره شمالی و ایران سامانه جهانی دفاع موشکی را بر پا می‌کند اما این یک بهانه بچگانه است (N. Korea Denounces ..., 2007). پیونگ یانگ در همین مورد هشدار داده است همان‌طور که امریکا به تشدید مسابقه تسلیحاتی می‌پردازد، کره شمالی مجبور است که برای دفاع از خود بازدارندگی نظامی را افزایش دهد (N. Korea Condemns ..., 2007). برخی کارشناسان این موضع کره شمالی را نشانه‌ای برای تمایل این کشور برای کسب موضع بالاتر در مذاکرات خود با امریکا در خصوص برنامه‌های هسته‌ای این کشور از طریق پیوند زدن آن با موضوع سامانه دفاع موشکی می‌دانند. برخی تحلیلگران در همین مورد معتقدند دولت کمونیستی کره شمالی ممکن است (با استناد به همین دلایل) در حال آماده کردن

زمینه‌ها برای انجام دادن آزمایش موشکی دوربرد دیگری باشد (Chan-Kyong, 2007). در هر حال، از نظر مقامات پیونگ یانگ، طرح مجدد موضوع ایجاد سامانه دفاع موشکی دلیل قاطعی برای ضرورت تقویت قابلیت‌های دفاعی و نظامی کره شمالی است.

#### ۴ تأثیر اجرای سیستم دفاع موشکی امریکا بر امنیت بین‌الملل

نکته مهم و اساسی در باب تصمیم امریکا برای ایجاد سامانه سپر موشکی در داخل یا خارج از قلمرو امریکا مربوط به آثار و پیامدهای مهم و تعیین‌کننده آن برای نظام بین‌الملل، به ویژه در ابعاد امنیتی، است. عمده مناظرات و مباحثات درباره این طرح نیز بر موضوع نتایج و تأثیرات بین‌المللی آن تمرکز دارد. هرچند هواداران برپایی سامانه دفاع موشکی در امریکا با تأکید بر ماهیت تدافعی این طرح موضوع افزایش ضریب امنیتی ایالات متحده و شرکای آن را رهاورد اصلی اجرای این طرح می‌دانند و از ارتقای ثبات جهانی در صورت استقرار سپر موشکی سخن می‌رانند، نمی‌توان کتمان کرد که برپایی چنین طرح عظیمی محرک بروز تغییرات امنیتی بنیادینی در نظام بین‌الملل خواهد بود که لزوماً ملازم با حفظ ثبات استراتژیک جهانی نخواهد بود. منتقدان طرح امریکا عمدتاً با استناد به پیامدهای منفی این طرح برای امنیت جهانی به مخالفت با آن می‌پردازند. به طور کلی، با در نظر گرفتن تمامی ملاحظات و احتمالات می‌توان تأثیرات و پیامدهای ناشی از اجرا و توسعه طرح دفاع موشکی امریکا را به شرحی پیش‌بینی کرد که در پی خواهد آمد.

#### ۴-۱ استیلاهای جریان‌ها و فرایندهای امنیت‌مدار در نظام بین‌الملل

طرح دفاع موشکی امریکا به منزله پدیداری امنیتی و نظامی، در صورت اجرا شدن، بر تقویت و تفوق جریان‌های امنیت‌مدار در نظام بین‌الملل تأثیر قاطعی بر جای خواهد گذاشت. ماهیت و کارکرد امنیتی این طرح از یک طرف و دامنه فراگیر آن از طرف دیگر موجبات بروز برخی تحركات مهم امنیتی و نظامی را در جهان فراهم خواهد ساخت. این امر مقوم فرایندی

است که پس از حملات یازدهم سپتامبر در جهان شکل گرفت. نحوه عملکرد دولتمردان امریکا پس از بروز این واقعه از جمله اقدام به تهاجم نظامی به افغانستان و عراق مهم‌ترین عامل شکل‌گیری و تسریع این فرایند بود. هرچند اهمیت ملاحظات امنیتی پس از پایان جنگ سرد با ظهور تحولات جدید در جهان تا حدودی کاهش یافته بود و به جای آن مباحث مرتبط با قدرت نرم از جمله تعاملات اقتصادی اهمیت بیشتری یافتند، حوادث یازدهم سپتامبر بار دیگر جامعه جهانی را با وضعیت امنیتی تازه‌ای مواجه کرد. در دوره جدید بخش عمده‌ای از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های جهانی به مبارزه با تروریسم اختصاص یافته است. فرایند امنیتی شدن نظام بین‌الملل — که در دوره پساجنگ سرد با حوادث یازدهم سپتامبر آغاز شد — ممکن است از طریق اجرای طرح دفاع موشکی امریکا تکمیل و تثبیت شود. بر همین اساس، بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران اجرای این طرح را نوعی رجعت به نظام امنیت‌محور جنگ سرد معرفی می‌کنند. نگاهی به دیگر پیامدهای امنیتی ناشی از اجرای طرح امریکا که در سطور بعدی بدان‌ها اشاره می‌شود چنین واقعیتی را تأیید می‌کند.

#### ۲-۴ تضعیف نظام بازدارندگی

اجرای طرح دفاع موشکی امریکا تضعیف نظام بازدارندگی در جهان را به دنبال خواهد داشت. می‌توان استدلال کرد که کاهش چشمگیر میزان آسیب‌پذیری امریکا در برابر تهدیدات موشکی از نتایج اولیه اجرای این طرح است و همین مسئله به طور طبیعی و اجتناب‌ناپذیر نظام بازدارندگی متقابل را که سازوکاری مؤثر در حفظ امنیت جهانی است تضعیف خواهد کرد. بازیگرانی نظیر روسیه اعتقاد دارند که اگر امریکا به اجرای طرح دفاع موشکی خود پردازد، موشک‌های هسته‌ای استراتژیک روسیه کارایی و اثر بازدارنده خود را از دست خواهند داد. این در حالی است که روسیه همواره برای حفظ رقابت با امریکا در سطح نیروهای استراتژیک تلاش می‌کند. این نگرانی وجود دارد که ترکیب قدرت تهاجمی امریکا — در کنار افزایش توان دفاعی این کشور که در پی استقرار سامانه

دفاع موشکی حاصل خواهد شد — توان بازدارندگی بازیگران مقابل نظیر روسیه و چین را تضعیف می‌کند و ثبات روابط هسته‌ای میان امریکا و این کشورها را بر هم می‌زند. طبیعتاً این امر به نابودی نظام بازدارندگی کنونی در جهان منجر خواهد شد. بر هم خوردن بازدارندگی جهانی نیز به ناامن شدن محیط بین‌المللی کمک فراوانی خواهد کرد.

### ۳-۴ آغاز یک مسابقه تسلیحاتی جدید

استقرار طرح دفاع موشکی امریکا مسابقه تسلیحاتی گسترده‌ای را در دنیا به راه خواهد انداخت. این طرح توان دیگر کشورها را برای وارد آوردن ضربه تلافی جویانه به امریکا کاهش خواهد داد. نتیجه آن است که بسیاری از کشورهای که از اجرای طرح دفاع موشکی امریکا تصور تهدید آمیزی دارند (نظیر روسیه و چین) به سمت ارتقای توانایی‌های نظامی خود برای بی‌اثر ساختن این سامانه دفاعی پیش خواهند رفت. به همین دلیل، بسیاری از کارشناسان و مقامات سیاسی در کشورهای مختلف اجرای طرح واشینگتن را نقطه آغازی برای به راه افتادن یک مسابقه تسلیحاتی گسترده در جهان قلمداد می‌کنند. هدف برخی قدرت‌های جهانی رخنه در سپر موشکی امریکا به منظور تأمین قابلیت وارد آوردن ضربه متقابل است. همین امر موجبات روی آوردن آنان را به تقویت قابلیت‌های نظامی خود برای تأمین این هدف فراهم خواهد ساخت. این اقدام البته ممکن است با واکنش امریکا برای افزایش قابلیت دفاعی سامانه مورد نظر خویش همراه باشد. نتیجه امر به راه افتادن یک مسابقه تسلیحاتی جدید در نظام بین‌الملل خواهد بود.

### ۴-۴ مختل شدن جریان خلع سلاح

تضعیف ترتیبات مرتبط با جریان کلی خلع سلاح جهانی یکی از پیامدهای مهم پیش‌بینی‌پذیر در صورت اجرای طرح دفاع موشکی امریکا است. طبعاً اجرای این طرح از پیشرفت جریان خلع سلاح جلوگیری خواهد کرد. پایبندی امریکا به طرح دفاع موشکی خود رکودی را در فرایند خلع سلاح هسته‌ای امریکا و روسیه به وجود خواهد آورد (Zhu, 1999, p. 22).

طبیعی است که چنین جریانی بازخورد نامطلوبی برای امنیت نظام بین‌الملل در پی دارد. وضعیت حاکم بر نظام امنیت جهانی حاکی از آن است که پیگیری مذاکرات مربوط به کاهش تسلیحات از نیازهای اساسی جامعه جهانی است در حالی که اصرار امریکا برای اجرای طرح خود به نحو انکارناپذیری از تأمین این نیاز اساسی جلوگیری خواهد کرد.

روسیه و امریکا از سال‌ها پیش مذاکرات مختلفی را برای محدودسازی سلاح‌های خود آغاز کرده بودند. این مذاکرات از زمان حیات اتحاد جماهیر شوروی به انعقاد موافقتنامه‌هایی منجر شد که مبنای تعهدات دو کشور برای پایبندی به جریان خلع سلاح بود. مذاکرات موسوم به سالت ۱ و ۲ و مذاکرات استارت ۱ و ۲ از آن جمله به شمار می‌روند. اما در اوضاع فعلی بسیاری از کارشناسان و حتی مقامات سیاسی کشورها از جمله مسئولان روسیه اعتقاد دارند که اجرای تصمیم امریکا در مورد استقرار سامانه دفاع موشکی در امریکا و اروپا به تضعیف و نابودی موافقتنامه‌هایی منجر خواهد شد که در پی این مذاکرات ایجاد شده‌اند.

در واقع، اجرای این طرح امکان پیشرفت مذاکرات در حوزه خلع سلاح را در حاله‌ای از ابهام قرار خواهد داد. مثلاً، پس از آگاهی روسیه از این واقعیت که کاهش بیشتر نیروهای هسته‌ای استراتژیک این کشور بر طبق مقررات معاهده استارت ۲ با هدف امریکا برای تأمین نیروی بالقوه لازم برای ایجاد یک سامانه دفاع موشکی مطابق خواهد بود، سوء ظن مسکو نسبت به برنامه‌های امریکا برای استقرار این سیستم افزایش یافت. این مسئله روس‌ها را به این نتیجه رساند که هدف واقعی امریکا از اجرای طرح دفاع موشکی بهبود قابلیت‌های استراتژیک دفاعی خود است در حالی که معاهده استارت ۲ همزمان به طور گسترده‌ای نیروهای تهاجمی استراتژیک روسیه را کاهش می‌دهد. این وضعیت امریکا را در وضعیت هسته‌ای برتری در برابر روسیه قرار خواهد داد (Payne, 1997, p. 5). در چنین اوضاعی، بازیگرانی نظیر روسیه نیز دلیلی برای پیروی از معاهدات قبلی نخواهند دید. این امر به منسوخ شدن موافقتنامه‌های نظارت بر تسلیحات و در نتیجه مختل شدن جریان خلع سلاح خواهد انجامید.



یک نمونه آشکار پایبند نبودن امریکا به ترتیبات امنیتی بین‌المللی مربوط به نقض معاهده موشک‌های ضد بالستیک است. این معاهده که در سال ۱۹۷۲ میان شوروی و امریکا به امضا رسید مهم‌ترین مانع حقوقی برای پیشبرد طرح‌های دفاع موشکی امریکا محسوب می‌شد. از همین رو، دولت بوش در سال ۲۰۰۱ با نقض این پیمان و خروج یک‌جانبه از آن زمینه توسعه طرح دفاع موشکی امریکا را فراهم ساخت. این اقدام مؤید تغایر بنیادین طرح مورد نظر امریکا با معاهدات استراتژیک بین‌المللی بود که به منظور تأمین ثبات و امنیت جهانی منعقد شده بودند.

#### ۴-۵ تقویت نظام تک‌قطبی در روابط بین‌الملل

استقرار طرح سپر دفاع موشکی از آنجا که موجبات برهم خوردن نظام موازنه جهانی قدرت به نفع ایالات متحده را فراهم می‌سازد گامی در جهت تقویت روند تک‌قطبی‌سازی در نظام بین‌الملل است. در سراسر سال‌های پس از فروپاشی شوروی، بسیاری از بازیگران غربی و غیرغربی تمایل فزاینده‌ای برای پی‌ریزی نظمی چندقطبی در سیاست بین‌الملل داشته‌اند. اساساً پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این نگرانی نزد بسیاری از مقامات سیاسی و متخصصان روابط بین‌الملل به وجود آمد که پایان نظام دوقطبی و حذف شوروی از معادلات سیاسی جهان موجب پیدایش نظام تک‌قطبی مبتنی بر نقش هژمونیک امریکا خواهد شد.

طرح برخی مباحث تئوریک نظیر نظریه «پایان تاریخ» فوکویاما یا اعلام نظریه نظم نوین جهانی در دوره بوش پدر به طور فزاینده‌ای بر حجم این نگرانی‌ها افزود. به این سبب، بخش عمده‌ای از مساعی دیپلماتیک بازیگرانی نظیر اتحادیه اروپا، روسیه، چین، یا جنبش غیرمتعهدها معطوف به ایجاد نظمی چندقطبی در جهان بود. بر همین اساس، این بازیگران مخالفت شدید خود را با اتخاذ اقدامات یک‌جانبه امریکا در نظام بین‌الملل ابراز کردند، زیرا آنان مبادرت به اقدامات یک‌جانبه بدون در نظر گرفتن منافع و ملاحظات دیگر بازیگران

نظام بین‌الملل یا بی‌توجهی به ترتیبات و رژیم‌های حقوقی بین‌المللی را در راستای تقویت تک‌قطبی ساختن نظام بین‌الملل قلمداد کردند.

در حال حاضر، نیز بخشی از مخالفت‌های موجود با طرح دفاع موشکی امریکا به واسطه ماهیت یکجانبه این طرح صورت می‌گیرد. مواضع پیشین برخی مقامات امریکایی درباره این طرح یک‌جانبه بودن آن را تأیید می‌کند. بوش اندکی پیش از انتخاب شدن به عنوان رئیس‌جمهور امریکا اعلام کرده بود که حتی با وجود مخالفت کشورهای نظیر روسیه یا امکان ترک معاهده موشکی ضد بالستیک مشتاق است که طرح دفاع موشکی امریکا را اجرا کند (Pena, ibid., p. 12). اقدام دولت بوش در خروج از معاهده موشکی ضد بالستیک به طور کامل ماهیت یکجانبه این طرح را تأیید کرد. مبادرت به این اقدامات یک‌جانبه به منظور تقویت موقعیت ایالات متحده در رقابت با دیگر بازیگران بین‌المللی صورت می‌گیرد.

از سوی دیگر، اگر افزایش قابلیت دفاعی ایالات متحده تا حد بی‌اثرسازی تهدیدات موشکی دیگر بازیگران به آن شکلی باشد که از نتایج اجرای طرح دفاع موشکی مفروض انگاشته می‌شود، می‌توان این فرض را تأیید کرد که اجرای این طرح سطح خودمختاری امریکا را در نظام بین‌الملل افزایش خواهد داد. ایجاد مصونیت در برابر حملات تلافی‌جویانه بازیگران متخاصم با امریکا موقعیت هژمونیک این کشور را در جهان بهبود خواهد بخشید. نتیجه امر تضعیف نظام چندقطبی و ایجاد یک نظم طولی سلسله‌مراتبی از قدرت است که موقعیت امریکا را در رأس هرم این ساختار تقویت خواهد کرد. این وضعیت سیر تک‌قطبی‌گرایی در نظام بین‌الملل را تسریع می‌کند.

### نتیجه‌گیری

اجرای طرح دفاع موشکی امریکا آثار و پیامدهای معتابهی را برای نظام بین‌الملل به همراه خواهد داشت. این امر حساسیت فراوان اعضای جامعه جهانی را نسبت به سرشت و سرنوشت نهایی طرح امریکا برانگیخته است. به همین دلیل است که هرگاه مقامات

امریکایی در خصوص پیشبرد این طرح اظهار نظری می‌کنند، شاهد واکنش‌های وسیعی در سطح بین‌الملل هستیم. این واکنش‌ها البته عمدتاً در سطح مواضع اعلامی به انجام می‌رسد اما در مواردی نیز گستره واکنش‌ها تا سطح اتخاذ مواضع مخالفت‌آمیز عملی و تصمیم به اقدام ارتقا می‌یابد. این وضعیت پس از اعلام خبر استقرار طرح دفاع موشکی امریکا در منطقه اروپای شرقی نیز تداوم پیدا کرد. کاستن از سطح مخالفت‌های اعلامی در قاره اروپا از انگیزه‌های اصلی امریکا برای اجرای طرح دفاع موشکی در این قاره بوده است. چه اینکه در طول سال‌های پس از جنگ سرد ماهیت یکجانبه طرح دفاع موشکی موجب می‌شد تا حتی متحدان اروپایی واشینگتن نیز با اجرای طرح امریکا مخالفت ورزند. اکنون ایالات متحده تلاش می‌کند تا از طریق استقرار بخشی از برنامه دفاع موشکی در قلمرو اروپا متحدان خود در این قاره را متقاعد سازد که این طرح تأمین امنیت دولت‌های اروپایی در برابر حملات موشکی برخی کشورهای خاص را نیز تضمین می‌کند. این توجیه البته در ایجاد اجماعی فراگیر میان اروپاییان و اتخاذ موضعی حمایت‌آمیز در خصوص طرح امریکا مؤثر نبوده است. دیدگاه قاطعی در اروپا وجود دارد که پیشبرد طرح دفاع موشکی در امریکا را موجب پیدایش مشکلات اساسی امنیتی در این قاره قلمداد می‌کند. این دیدگاه به‌ویژه بر تأثیر مخرب مخالفت عملی روسیه با استقرار طرح دفاع موشکی در اروپا تأکید می‌کند و، علاوه بر آن، رویکردی قوی در این قاره بر رد ادعاهای مقامات امریکا در خصوص تهدید موشکی کشورهای هم‌چون ایران برای اروپا (که توجیهی برای پیشبرد این طرح امریکاست) دلالت دارد.

از این رو، در بین متحدان اروپایی امریکا اجماع جامعی در حمایت از طرح دفاع موشکی این کشور به وجود نیامده است. بر همین اساس است که بسیاری از کارشناسان پرداختن به موضوع استقرار طرح دفاع موشکی در اروپا را موجب پیدایش «شکاف‌های جنگ سردی» در این قاره دانسته‌اند. این در حالی است که مخالفت دولت‌های دیگر نظیر روسیه و چین با طرح امریکا با جدیت بیشتری دنبال می‌شود و این مخالفت به دلیل

پیامدهای مخرب این طرح برای امنیت نظام بین‌الملل است. طرح دفاع موشکی امریکا ممکن است ساختار نظام بین‌الملل را تک‌قطبی و کارکرد آن را امنیتی نماید. بسیاری از فرایندها و جریان‌های مربوط به دوره پیش از فروپاشی شوروی بر اثر وقوع این تحولات احیا خواهند شد. پدیدارهایی نظیر مسابقه تسلیحاتی از نتایج حتمی اجرای طرح دفاع موشکی امریکا خواهد بود. از این رو، امکان دارد اجرای این طرح سرآغازی برای رجعت به دوران امنیت‌مدار جنگ سرد باشد. این مسائل موجبات مخالفت‌های گسترده با طرح دفاع موشکی امریکا را فراهم ساخته است. طبعاً با توجه به ابعاد و پیامدهای منفی این طرح برای نظام بین‌الملل می‌توان پیش‌بینی کرد که هر گونه اقدامی برای پیشبرد و توسعه طرح دفاع موشکی از جمله استقرار بخشی از آن در قلمرو اروپا با افزایش مخالفت‌های بین‌المللی همراه شود.



## منابع و مأخذ

امیری، مهدی (۱۳۸۰/۴/۲۳)، «روسیه و طرح دفاع موشکی امریکا»، روزنامه اطلاعات.

Chan-Kyong, Park (2007), "Pyongyang's New Card: United States Missile Defense Plans," *China Post*.

"China's Opposition to US Missile Defense Programs" (2000), Center for Nonproliferation Studies, EANP Fact Sheets.

Eland, Ivan (2001), "The Rough State Doctrine and National Missile Defense," *Foreign Policy Briefing*.

EU's Solana, (2007), "Participation in U.S. Missile Defense Shield Must not Harm EU Security," *International Herald Tribune*.

Fukuyama, Francis (2006), "America at the Crossroads," [www.npr.org](http://www.npr.org).

Harris, Emily (2007), "European Cool to U.S. Missile Defense Plan," [www.npr.org](http://www.npr.org).

Hildreth, Steven (2007), "Ballistic Missile Defense: Historical Overview," Congressional Research Service.

Hildreth, Steven (2005), "Missile Defense: The Current Debate," Congressional Research Service.

Hostettler, John (2003), "Perspectives on President Bush's Missile Defense Directive," NSPD 23, [www.house.gov](http://www.house.gov).

"Iran Calls U. S. Missile Defense Program for Europe Joke of the Year", (2007), *People's Daily*.

"Iran, Russia Criticize U.S. Missile Defense Plan" (2007), Radio Free Europe Website.

"Iran U. S. Missile Defense System a Joke" (2007), *USA Today*.

Jiaxuan, Tang (2001), "U.S. Missile Defense Compromises Global Security," Nuclear Age Peace Foundation.

Klare, Michael (2000), "An Anachronistic Policy," *Harvard International Review*.

Mathis, Curtis (2006), "United States Missile Defense Policy in the Contemporary Strategic Environment," U.S. Army War College, Pennsylvania.

Medeiros, Evan (1999), "2<sup>nd</sup> US-China Conference on Arms Control, Disarmament and Nonproliferation: Missiles, Theater Missile Defense and Regional Stability," Monterey Institute of International Studies.

Mizin, Victor (2003), "Russia's Approach to the U.S. Missile Defense Program," Center for Nonproliferation Studies.

"National Policy on Ballistic Missile Defense" (2003), Fact Sheet, Washington, The White House.

- Neuger, James (2007), "Europe's Cold War Divisions Re-Emerge over U.S. Missile Shield," Bloomberg.
- "N. Korea Condemns U. S. Missile Defense System" (2007), Yonhap Website.
- "N. Korea Denounces U.S. Missile Defense System, Vows to Strengthen Deterrent", (2007), www.Pr-Inside.com.
- "Nuclear Posture Review" (2004), www.global security.org.
- Payne, Keith (1997), "Cold Peace or Cooperation? The Potential for U.S. Russian Accommodation on Missile Defense and the ABM Treaty", www.nipp.org.
- Pena, Charles V. (2000), "Arms Control and Missile Defense not Mutually Exclusive," *Policy Analysis*, No. 376.
- Pena, Charles V., and Barbara Conry (1999), "National Missile Defense, Examining the Options", *Policy Analysis*, No. 337.
- Tinger, Brooks (2007), "Rethinking Nato's role in Missile Defense," ISN Security Watch.
- "US Missile Defense: A Strategic Challenge for Europe" (2007), Center for Security Studies, CSS Analyses in *Security Policy*, Vol. 2, No. 12.
- Weitz, Richard (2007), "US: Russia's Missile Defense Fears Driven More Than Security," *Eurasia Insight*.
- Zhu, Miguan (1999), "U.S. Plans on National Missile Defense and Theater Missile Defense: A Chinese Perspective," *The Monitor*, Vol. 5, No. 1-2.